

شناخت و تحلیل نقش قدرت ذی‌نفعان به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه‌ی روستایی

مرتضی توکلی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در زمینه‌ی الگوی پیشرفت مد نظر قرار می‌گیرد، نقش قدرت ذی‌نفعان است که به این موضوع زیاد پرداخته نشده است. هدف اصلی تحلیل قدرت ذی‌نفعان از روش‌های مشارکتی جهت تحقق، تدوین و تعریف پروژه‌هاست که منافع گروه‌های محروم و کم‌قدرت را ببیند، و این دارای اهمیت است. مهم‌ترین وجه مدیریت ذی‌نفعان ارزش‌آفرینی است که ضمانت‌کننده‌ی حیات و تداوم و همچنین مدیریت انتظارات جامعه است. نقش و اهمیت ذی‌نفعان به عنوان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی که تأثیرگذار و تأثیرپذیرند، بسیار مهم است. در عرصه‌ی تحلیل قدرت ذی‌نفعان منابع قدرت متعدّدند که شامل دانش، مشروعیت، انگیزه‌ها، شهرت، ثروت و غیره است. اینکه ذی‌نفعان کدام‌اند و چقدر قدرت دارند، در این حوزه است که نقش مردم در برنامه‌ریزی و تدوین الگو را تعیین می‌کند. در نهایت امیدوارم در نهایی‌سازی این سند با توجه ویژه‌ای که به منافع روستاییان، محرومین، مرزنشینان و افراد فاقد ابزار قدرت و ثروت می‌شود، از مشارکت فکری تمامی افراد دلسوز بهره گرفته شود.

مقدمه

در خصوص الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت، مطالب و موضوعات زیادی مطرح شده است و موضوع الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت موضوعی بسیار پیچیده و چندوجهی است که ما فقط از بخشی از آن خبر داریم؛ آن چیزی که در قالب یک چهارچوب به تدبیر مقام معظم رهبری، که باید از ایشان سپاسگزار باشیم، چراکه برای اولین بار در ادبیات برنامه‌ریزی ایران سندی را پیش از اینکه به مرحله‌ی تصویب و اجرا برسد امکان نقد و بررسی روی آن ایجاد شده است. و



برای اولین بار این اتفاق افتاده که نقطه‌قوت این الگوست. در واقع حدود ۱۲ برنامه‌ی توسعه در ایران اجرا شده که حاصلش چیزی نبوده جز شرایط فعلی. خوش‌بینانه‌ترین حالت که انتظار داشتیم در برنامه‌ی چهارم به ۶ تا ۹ درصد از اهداف آن رسیدیم. که باعث تأسف است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در زمینه‌ی الگوی پیشرفت مد نظر قرار می‌گیرد، نقش قدرت ذی‌نفعان است که به این موضوع زیاد پرداخته نشده است.

بحث اصلی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی درگیرسازی ذی‌نفعان برای تحقق اهداف و یافتن راهکارهایی برای مواجهه با چالش‌های مشترک نظیر کسب آگاهی برای یک موضوع خاص، بهبود عملکرد، مسائل محیط‌زیست و همچنین تلاش برای توسعه و استفاده از فرصت‌ها و ارزش‌های ایجادشده‌ی توسعه و حامیان متعددی که دارد، اهمیت پیدا کرده است. تحلیل ذی‌نفعان برای نخستین بار در مطالعات کسب‌وکار و به‌تدریج از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی مطرح شد. هدف اصلی تحلیل قدرت ذی‌نفعان از روش‌های مشارکتی جهت تحقق، تدوین و تعریف پروژه‌های است که منافع گروه‌های محروم و کم‌قدرت را ببیند، و این دارای اهمیت است. تحلیل ذی‌نفعان موضوع اصلی در مدیریت تعارض و حل اختلافات است. یکی از جنبه‌های اصلی تعامل ذی‌نفعان موضوع مشارکت جمعی است که ما به آن توجه ویژه‌ای داریم؛ علی‌الخصوص در مشارکت فکری استفاده از تحلیل ذی‌نفعان دارای ویژگی‌های متعددی است (که در اینجا در این باره به همین میزان اکتفا می‌نمایم).

ذی‌نفعان رویکردی بسیار مهم برای افزایش امکان‌پذیری سیاسی، پیشنهادها و سیاسی (یعنی نقش جامعه و کسانی را که از منافع یک برنامه یا الگو قرار است بهره ببرند، پررنگ‌تر کنیم). تحلیل ذی‌نفعان مستلزم صبر، دقت، قضاوت و توجه به تأثیر ساختارهای شکل‌دهنده‌ی منافع و موقعیت بازیگردانان است. مهم‌ترین وجه مدیریت ذی‌نفعان ارزش‌آفرینی است که ضمانت‌کننده‌ی حیات و تداوم و همچنین مدیریت انتظارات جامعه است. نقش و اهمیت ذی‌نفعان به عنوان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی که تأثیرگذار و تأثیرپذیرند، بسیار مهم است. با توجه به تسلط نهادهای رسمی منتج از نفرین منابع (وجود نفت) بر ساختار قدرت، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، شناسایی ذی‌نفعان، منافع و منابع قدرت و نحوه‌ی تعامل آن‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است.

قدرت دارای دو مفهوم ۱. قدرت برای؛ ۲. قدرت بر. که اولی بر توانایی و ظرفیت انجام کار و دومی بر روابط بین مردم و اعمال قدرت است که مراد ما هر دوست. در عرصه‌ی تحلیل قدرت دی نفعان منابع قدرت متعدّدند که شامل دانش، مشروعیت، انگیزه‌ها، شهرت، ثروت و غیره است. اینکه دی نفعان کدام‌اند و چقدر قدرت دارند، در این حوزه است که نقش مردم را در برنامه‌ریزی و تدوین الگو تعیین می‌کند.

رویکرد تحلیل قدرت دی نفعان در شش گام تعریف‌شدنی است: ۱. توصیه‌ی اهداف و رویه‌های تحلیل و فهم اولیه‌ی سیستم؛ ۲. شناسایی دی نفعان کلیدی؛ ۳. شناخت علایق، مشخصه‌ها و شرایط دی نفعان؛ ۴. شناسایی الگوها در زمینه‌های تعامل بین دی نفعان؛ ۵. شناسایی قدرت و نقش بالقوه‌ی دی نفعان؛ ۶. سنجش امکان و استفاده از دستاوردها.

ما در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، یعنی تشخیص مسئله و مسئله‌شناسی، دچار مشکل هستیم، و نیز در تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی. همه‌ی این‌ها به تسلط نهادی حاکمیتی منجر شده است که دولت را بازیگر اصلی عرصه‌ی توسعه و برنامه‌ریزی کرده است. با در نظر گرفتن اولویت منافع و انگیزه و توجه به نحوه‌ی تعامل میان دی نفعان، بایستی سه ویژگی قدرت، مشروعیت و فوریت را مد نظر قرار دهیم که هفت نوع دی نفع قابل شناسایی است: ۱. دی نفعان ساکت که قدرت نفوذ دارند ولیکن بر اساس خواسته‌های ضروری و مشروعیت بدون استفاده است؛ ۲. دی نفعان محتاط که معمولاً احتیاط به خرج می‌دهند و وارد این مقوله‌ها نمی‌شوند؛ ۳. دی نفعان متقاضی که تقاضا دارند وارد عرصه‌های برنامه‌ریزی و مشارکت فکری شوند؛ ۴. دی نفعان مسلط که همه‌ی نقشی که در برنامه‌نویسی در حال شناسایی داریم، برمی‌گردد به دی نفعان مسلط؛ ۵. دی نفعان وابسته؛ ۶. دی نفعان خطرناک که ضرورتاً قدرت دارند، ولی مشروعیت ندارند؛ ۷. دی نفعان قطعی که هم قدرت و هم مشروعیت دارند و نقش بی‌بدیل در این زمینه دارند.

با توجه به الگویی که وجود دارد، دی نفعان چهار دسته قابل شناسایی‌اند: ۱. کسانی که قدرت بالا و منافع بالا دارند؛ ۲. کسانی که دارای قدرت بالا و منافع پایین هستند؛ ۳. کسانی که قدرت پایین و منافع بالا دارند؛ ۴. کسانی که قدرت پایین و منافع پایین دارند؛ که همان روستاییان، عشایر و مرزنشینان ضعیفی هستند که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

تحلیل دی نفعان موضوع اصلی در مدیریت تعارض و حل اختلافات است. یکی از جنبه‌های اصلی تعامل دی نفعان موضوع مشارکت جمعی است که ما به آن توجه ویژه‌ای داریم؛



علی‌الخصوص در مشارکت فکری استفاده از تحلیل ذی‌نفعان دارای ویژگی‌های متعددی است (که در اینجا در این باره به همین میزان اکتفا می‌نمایم). ذی‌نفعان رویکردی بسیار مهم برای افزایش امکان‌پذیری سیاسی، پیشنهاد‌های سیاسی (یعنی نقش جامعه و کسانی را که از منافع یک برنامه یا الگو قرار است بهره ببرند، پررنگ‌تر کنیم). تحلیل ذی‌نفعان مستلزم صبر، دقت، قضاوت و توجه به تأثیر ساختارهای شکل‌دهنده‌ی منافع و موقعیت بازیگردانان است. ما در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، یعنی تشخیص مسئله و مسئله‌شناسی، دچار مشکل هستیم، و نیز در تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی. همه‌ی این‌ها به تسلط نهادی حاکمیتی منجر شده است که دولت را بازیگر اصلی عرصه‌ی توسعه و برنامه‌ریزی کرده است.

با توجه به ضرورت تحلیل قدرت ذی‌نفعان، در این باره سؤالاتی مطرح می‌شود که ضرورتاً بایستی در تدوین الگوی اسلامی ایرانی به آن‌ها پاسخ داده شود.

۱. ماهیت الگوی تدوین‌شده با جهت‌گیری قدرت کدام ذی‌نفعان تدوین شده است؟

۲. سهم سایر ذی‌نفعان چگونه دیده شده است؟

۳. سهم ذی‌نفعان روستایی به عنوان جمعیت دارای مشروعیت و اولویت و ضعف در قدرت چگونه دیده شده است؟

در نهایت امیدوارم در نهایی‌سازی این سند با توجه ویژه‌ای که به منافع روستاییان، محرومین، مرزنشینان و افراد فاقد ابزار قدرت و ثروت می‌شود، از مشارکت فکری تمامی افراد دلسوز بهره گرفته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی